

تک خوان
و
چند داستان دیگر

علی خزاعی فر



خزاعی فر، علی، ۱۳۳۶-

KhazaeeFar, Ali

تک‌خوان و چند داستان دیگر / علی خزاعی فر؛ ویراستار سمیه دل‌زنده‌روی.

مشهد: شیرباد

۱۴۱ ص.

ISBN: 978-622966360-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴

Short stories, Persian—20th century

PIR۸۳۴۱

۸۶۳/۶۲

۶۰۵۲۰۴۵ کتبخانه ملی ایران

تمامی حقوق این اثر برای نشر شیرباد محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً بدون اجازه مکتوب نشر شیرباد ممنوع است.

مشهد، بلوار پرورشی، پلاک ۲۷، نبش شهید رفیعی ۱۱، پلاک ۲۸،

طبقه اول، تلفن دفتر نشر: ۰۹۱۵۵۰۰۰۸۴



علی خزاعی فر

تک‌خوان و چند داستان دیگر

ویراستار: سمیه دل‌زنده‌روی

طرح جلد: مهدی محمدی بدرآباد

چاپ و صحافی: ایران‌زمین

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مقدمه نویسنده

داستان‌های این مجموعه همگی از زبان یک پسر بچه هفت یا هشت ساله روایت می‌شود. زمان وقوع داستان‌ها اوایل دهه چهل و مکان آنها محله‌ای در مشهد است. همه این داستان‌ها از دو عنصر تخیل و واقعیت بهره گرفته‌اند، ولی اگرچه بسیاری از آدم‌ها و مکان‌ها و برخی اتفاقات واقعی‌اند، در همه آنها ماده اصلی روایت تخیل است.

نویسنده در دهه‌های دهه پنجاه در تهران در اولین ماه پس از بازنشستگی، برایم لذتی مضاعف داشت چون با خلق آن با گوشه‌هایی از کودکی‌ام را بازیافته بودم و سیمای فراموش شده بسیاری از آدم‌های دنیای کودکی‌ام را از دریچه چشم کودک بازیگوشی که بودم، آفریده بودم. کودکی که مشاهده‌گری دقیق است اما از آنچه می‌بیند نه سردر می‌آورد و نه درباره آنها قضاوت می‌کند.

نوشتن این داستان‌ها مرا به سفری در زمان برد، سفر به محله‌ای قدیمی. به دیدار آدم‌هایی کاملاً معمولی که آنهاست به دنیای فراموشی رفته‌اند، آدم‌هایی که زمانی و در دنیایی کاملاً متفاوت با دنیای امروز ما سرخوش از خوشی‌های زودگذر و گرفتار رنج‌ها و حسرت‌های دیرپا و آرزوهای کوچک خود بودند. برای بازآفرینی این آدم‌ها از حافظه زبان‌ام مدد جستم و کوشیدم آنها را از طریق زبانشان زنده کنم. آنها با همه تفاوت‌های شخصیتی که داشتند همگی به لهجه مشهدی صحبت می‌کردند، اما برای من لهجه مشهدی در چند واژه متفاوت از فارسی معیار خلاصه نمی‌شود. آهنگ این لهجه هم اگرچه به گوشم خوش می‌آید ولی خوشبختانه این

آهنگ را هنوز در اطرافم می‌شنوم. آنچه برایم نوستالژیک بود مجموعه‌ای از تعبیرات ویژهٔ زبانی بود که هویت این لهجه را می‌ساخت؛ تعبیراتی که در گذشته می‌شنیدم و شیرینی آنها را هنوز در ذهن خود حس می‌کنم: تعبیراتی آمیخته به شوخ‌طبعی، سرشار از صراحت و سادگی و خرد عامیانه و درعین حال تصویری و استعاری؛ تعبیراتی که منعکس‌کنندهٔ جهان‌بینی و اعتقادات مشهدی‌های دوران کودکی‌ام بود. لذت کشف این تعبیرات و لذت بازآفرینی آدم‌های دوران کودکی‌ام از طریق زبان‌شان و به مدد حافظهٔ زبان انچنان لذتی به من می‌داد که گاه اشکم را جاری می‌کرد.

امجّه‌های اگرچه به گوش غیرمشهدی‌ها شیرین می‌آید اما دریغ و افسوس که به گوش بسیاری از مشهدی‌های تحصیل‌کرده ناخوش می‌آید. تردیدی نیست که امجّه مشهدی، به دلایل مختلف، در مواجهه با فارسی پایتخت، بیش از بسیاری از امجّه‌های دیگر فارسی آسیب دیده است. اما همیشه بر این اعتقاد بودم که امجّه‌ها به ادبیات و هنر راه پیدا کنند اعتبار از دست رفته خود را باز می‌یابند یا اعتنا از ضاعف می‌یابند. امید خاضعانه من این است که، همچون بسیاری از شاعران و نویسندگان مشهدی پیش از خود، با این داستان‌ها توانسته باشم لهجهٔ مشهدی را به سطح ادبیات ارتقا بدهم.

در خاتمه مایلم از دوستان عزیز که داستان را بل از چاپ خواندند و نظریات مفید و تشویق‌آمیزی دادند صمیمانه تشکر کنم: حسین پاینده، وحیده سیدی، مهدی محمدی بدرآباد، قاسم رفیعا صبا عظمی، سایه اقتصادی‌نیا، مرضیه ملکشاهی، سمیه دل‌زنده‌روی و نیما ساراز.

علی خزاعی‌فر

مشهد، زمستان ۱۳۹۸

فهرست داستان‌ها

۱	شُله
۱۳	طوقی
۲۷	ترانه درخواستی
۳۷	برهنه در مه
۴۳	دعا
۵۵	توده‌ای
۶۷	پرواز گیل‌اس‌ها
۷۷	آقای ۴۲۰
۸۷	جن
۹۳	شیر پیر
۱۰۱	تک‌خوان
۱۱۵	آهو
۱۲۳	زندان توپ‌ها
۱۲۹	دستمال
۱۳۵	گلشور